;تو را از خودت بیشتر دوست دارم.

متن اجرا :

از دوستداران امام صادق (علیه السلام) بود. بسیار به ایشان علاقه داشت و گاه نزد امام می رفت و محبتش را ابراز می کرد. یک روز مثل همیشه پیش امام رفت. امام شروع کردند به احوال پرسی از او، بعد فرمودند: عبادتت را با نشاط تر کن و توبه ات را هم زیاد کن، او پرسید آقای من نکند مرگ من نزدیک است که این گونه من را سفارش می کنید!

امام فرمودند: بدان تا وقتی که از شیعیان ما هستی ، ما خیر خواه شماییم و هر چیزی که از ما به شما میرسد خیر است.

زید پرسید: شیعیان شما چه حالی خواهند داشت : امام فرمودند : حساب و کتاب شیعیان ما با ماست

و به خدا قسم که ما شما را بیشتر از خودتان دوست داریم .

اینقدر نگو من کجا و او کجا، اینقدر نگو من یک عمر از او دور افتاده ام، یک عمر بدی کرده ام، یک عمر گناه کرده ام، نگو فاصله مان زیاد شده ، بدان که او مشتاق توست، پدر است، مهربان است، سراسر وجودش مهر است، عاطفه است، من و تو را بیشتر از خودمان دوست دارد، بیشتر از هر کس دیگری... یک دوستی و محبت واقعی . . .

-بدان اگر او را صدا کنی ، جواب می گیری

-حالا که او یک دوست واقعی است و مشتاق ما، بیاییم با او مانند یک دوست واقعی رفتار کنیم او دوستی است که در اوج معرفت و مهربانی است. اگر دوستی داشته باشیم که در دوستی خود بی نقص باشد و هر لحظه به فکر ما باشد، چگونه با او رفتار می کنیم ؟

بیاییم با او اینگونه رفتار کنیم.

-حالا که او اینگونه مشتاق توست و تو را بیشتر از خودت دوست دارد، پس بدان که نزدیک شدن به او بسیار ساده است ، فقط لازم است لبانت را تکان دهی تا پاسخ بشنوی.

متن ترجمه:

زید شحام گوید بر امام صادق علیه السلام وارد شدم . ایشان فرمودند ای زید عبادتت را تجدید کن(نشاط بخش) و توبه ات را زیاد کن .زید گفت فدای شما شوم بشارت مرگ من را به من دادید؟ حضرت فرمودند : ای زید در حالیکه تو از شیعیان ما هستی ، آنچه نزد ماست برای تو خیر است.

پرسید و اگر از شیعیان شما شوم چه حالی خواهم داشت؟حضرت فرمودند: تو از شیعیان ما هستی ، و صراط و میزان [تو] بر ماست و حساب شیعیان ما والله [با ماست]

والله، قطعا ما بر شما از خودتان مهربان تر هستیم گویی من مینگرم بر تو و رفیقت در درجه ات در بهشت.

بحارالانوار ج 47 ص78

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص: 265

دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ص: 282

متن عربی:

 عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ يَا زَيْدُ جَدِّدْ عِبَادَةً وَ أَحْدِثْ تَوْبَةً قَالَ نَعَيْتَ إِلَيَّ نَفْسِي جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ فَقَالَ يَا زَيْدُ مَا عِنْدَنَا خَيْرٌ لَكَ وَ أَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا قَالَ وَ قُلْتُ وَ كَيْفَ لِي أَنْ أَكُونَ مِنْ شِيعَتِكُمْ قَالَ فَقَالَ لِي أَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَيْنَا الصِّرَاطُ وَ الْمِيزَانُ وَ حِسَابُ شِيعَتِنَا وَ اللَّهِ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ رَفِيقِكَ فِي دَرَجَتِكَ فِي الْجَنَّة

بحارالانوار ج 47 ص78

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص: 265

دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ص: 282

1. دغدغه ،کفالت